

## الگوی مناسب کاهش نابرابری آموزشی در مدارس ابتدایی شهر تهران

مسلم پیری زمانه\*<sup>۱</sup>، عباس عباس پور<sup>۲</sup>، سعید غیائی ندوشن<sup>۳</sup>، علی خورسندی طاسکوه<sup>۴</sup>، صمد برزوئیان<sup>۵</sup>

Received: 04/01/2020  
Accepted: 06/09/2020

صفحات: ۲۴۳-۲۱۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴  
پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

### چکیده

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های ترکیبی اکتشافی است. جامعه‌ی آماری مورد بررسی شامل ۱۴ نفر از خبرنگاران و صاحب‌نظران حوزه آموزش عمومی که به شیوه نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختاریافته است. نتایج بررسی اسناد و مدارک و همچنین تحلیل اکتشافی مصاحبه‌ها نشان داد که عوامل تأثیرگذار بر نابرابری آموزشی در سطح مدارس دوره ابتدایی شهر تهران شامل ۷ مؤلفه اصلی درون‌داد، فرایند مدرسه، زمینه خانوادگی، برون‌داد، زمینه فردی نابرابری، تأثیرات اجتماعی و سیاسی نابرابری‌ها در آموزش و پرورش، و شاخص‌های جغرافیایی و ۳۴ زیر مؤلفه که برخی از مهم‌ترین زیر مؤلفه‌ها شامل امکانات فیزیکی، نیروی انسانی، شاخص اقتصادی، جو انضباطی، ارتباط، ادراک عدالت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده‌ها و... هستند. نتایج مصاحبه نشان داد که برای کاهش نابرابری آموزشی الگوی مطلوب شامل مضامین ۲۷ گانه است که در متن مقاله به بحث و بررسی آمده است.

**کلیدواژه‌ها:** نابرابری آموزشی، برابری فرصت‌های آموزشی، مدارس دوره ابتدایی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Email: moslempiri1984@gmail.com

\*نویسندهٔ مسؤول:

۲. استاد تمام گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۴. استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۵. استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

## مقدمه

در سه دهه گذشته، کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، با فراز و نشیب فراوانی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی مواجه بوده‌اند. در رویارویی با بسیاری از چالش‌های بالقوه آینده، سیستم آموزشی به‌عنوان سرمایه‌ای ضروری در تلاش برای تحقق اهداف مربوط به توسعه، تلقی شده و مهم‌ترین ابزار موجود برای پیشبرد برنامه‌ها و واقعیت بخشیدن به آرمان‌های هر ملت محسوب گردیده است. چالش‌های بالقوه آینده در تمامی ابعاد وسیع جامعه، چشم‌اندازی از ضرورت مدیریت و برنامه‌ریزی را به ما نشان می‌دهد. چگونه ممکن است این چالش‌های بزرگ، توجه سیاست‌گذاران آموزشی را جلب نکنند؟ برای رسیدن به این هدف، باید مسائل و چالش‌های پیش روی آموزش و پرورش را بشناسیم و بر آنان فائق آییم، یکی از این مسائل، برابری آموزشی می‌باشد. رسالت اصلی آموزش و پرورش، توان بخشیدن به فرد فرد انسان‌ها در جهت توسعه کامل استعدادها و نیز شناخت توانمندی‌های خلاق خویش است و این هدف بر سایر اهداف آن، ارجحیت دارد. حصول این هدف هر چند دشوار و طولانی است، اما در جهت جستجوی جهانی عادلانه‌تر و بهتر برای زیستن، ضروری محسوب می‌شود (Purpaki, 2014).

آموزش مبنای توسعه است و سرمایه‌های انسانی<sup>۱</sup> در دنیای امروز ارزشی گران‌بهارتر از ثروت‌های طبیعی و زیرزمینی پیدا کرده‌اند، این از آن‌روست که انسان‌های دانا و توانا سرمایه‌های حقیقی و واقعی هر کشور را تشکیل می‌دهند، چراکه منبع پایدار هر جامعه، نیروی انسانی آن است که از لحاظ فکری، عاطفی و اجتماعی تربیت شده باشد (Falahi, 2009). پایه تربیت و آموزش و به فعل درآوردن استعدادهای جوانان از طریق آموزش و پرورش با کیفیت و برخوردار صورت می‌پذیرد. بنابراین می‌بایست قسمت عمده‌ای از سرمایه‌گذاری کشورها معطوف آموزش نیروی انسانی شود زیرا که با بالا رفتن توان نیروی انسانی از طریق آموزش شاهد رشد و توسعه چشمگیر کشور در همه زمینه‌ها خواهیم بود. بنابراین چگونگی توزیع آموزش و پرورش اهمیت دارد. هر جا که نابرابری‌های آموزشی به حد اعلا خود برسد آهنگ توسعه نیز کاهش پیدا خواهد کرد. اما گسترش همگن و برابر مراکز آموزشی بزرگ‌تری تعامل مهم در جهت توسعه مناطق خواهد گردید (mousavi & hasani, 2010).

نابرابری فرصت‌های آموزشی به‌عنوان تأثیر وضعیت اجتماعی- اقتصادی دانش‌آموزان بر عملکرد تحصیلی آنان تعریف می‌شود (Horn, 2010). یکی از ویژگی‌های مهم سیستم‌های آموزشی درجه‌ای است که سیستم برخوردار و موفقیت دانش‌آموزان متعلق به طبقات بالای اجتماع را افزایش می‌دهد (همان منبع). این تعریف از نابرابری مطابق با تعریف مطالعات (pizza, 2004)

1. Human Capital.

نویسندگانی مانند (Ammermuller, 2004), Bishop & mane (2004) و Marks (2005) و Brunello & checchi (2006) می‌باشد. در این رویکرد فرض می‌شود که موفقیت تحصیلی و عملکرد آموزشی دانش‌آموز به ویژگی‌های وضعیت و استانداردهای زندگی او وابسته است (همان: ۵). از دیدگاهی دیگر، تلاش‌ها برای تعریف برابری و عدالت آموزشی بر اساس نظریه‌های عدالت اجتماعی و شمول اجتماعی است. در این راستا، چهار جنبه به صورت زیر شناسایی شده است: ۱. برابری دستیابی رسمی؛ ۲. برابری شرایط؛ ۳. برابری شرکت؛ ۴. برابری نتایج (Samons, 2010). قدمت نابرابری آموزشی به دیرپایی نهاد تعلیم و تربیت است. اما در جوامع مدرن، نظریه برابری آموزشی ریشه در نظرات (Rawls, 2015) دارد. بر اساس نظر ایشان، سه اصل برابری فرصت‌ها در زمینه‌ی سیستم‌های آموزشی عبارت از فراهم کردن تسهیلات آموزشی برابر برای افراد واجد شرایط، فراهم آوردن حداقل میزان آموزش برای هر فرد و ایجاد امکانات و تدارکات ویژه برای گروه‌های محروم است (Rawls, 2015). Faral (1994&1999) بر اساس این سه اصل راولز، چهار نوع عمده برابری را در ارتباط با سیستم‌های آموزشی مشخص کرده است که برابری در دستیابی، درونداد و پیامد و برابری تأثیرات آموزشی بر مراحل زندگی، این چهار نوع هستند (به نقل از Chang, 2014)

از مجموع این نظریات چنین نتیجه‌گیری می‌شود که نابرابری در سیستم‌های آموزشی از دودسته عوامل برون سیستمی (به‌عنوان نمونه زمینه خانوادگی دانش‌آموزان) و عوامل درون‌سازمانی از جمله امکانات و تجهیزات و فرایندهای درون مدرسه‌ای و نیز بروندهای مدارس ناشی می‌شود. شایان ذکر است که به علت ماهیت سیستمی آموزش و پرورش این عناصر بر همدیگر تأثیر دارند و از همدیگر تأثیر می‌پذیرند. به‌عنوان مثال زمینه خانوادگی دانش‌آموزان بر عناصر درون‌سازمانی سیستم‌های آموزشی تأثیرگذار است و این به این معناست که سیستم آموزشی و ویژگی‌های آن تنها عامل نابرابری‌های آموزشی نیست. اما از نقطه نظر برنامه‌ریزی، سیستم آموزشی دارای اهمیت است حتی اگر تنها عامل از بین برنده نابرابری‌ها نباشد. این به این علت است که ساختارهای نهادی ابزارهای مفیدی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان هستند که از طریق این ساختارها می‌توانند نابرابری‌های آموزشی را کاهش دهند (OECD, 2005, horn, 2010).

در این راستا مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی مأموریت دارند تا ضمن بررسی راهکارهای مختلف و کشف نقاط قوت و ضعف خود مدارس و مراکز تعلیم و تربیت را از نظر کمی و کیفی توسعه داده و امکان افزایش ارائه خدمات علمی - آموزشی و فرصت آموزش برابر را برای تمام دانش‌آموزان فراهم آورند. هر نوع برنامه‌ریزی برای تخصیص منابع در وهله اول نیازمند شناسایی وضع موجود می‌باشد و انجام مطالعاتی در زمینه‌ی نابرابری در آموزش با استفاده از جمع‌آوری داده‌های واقعی

و تحلیل منظم آن‌ها سبب می‌شود ۱. موقعیت فعلی شاخص‌هایی که نتایج کلیدی و مهم را درباره مناطق و گروه‌های اجتماعی مختلف منعکس می‌کنند ۲. روندهای گذشته در سرمایه‌گذاری و نتایج و ۳. شکاف‌هایی که باید پر شوند، مشخص شود. این کار کمک خواهد کرد تا نوع دروندادها و بروندادهای حاصل برای مناطق و گروه‌های مختلف شناسایی شود و توجه برنامه‌ریزان و مدیران آموزشی را به اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ها جهت رفع کمبودها و ناهمگنی‌ها جلب خواهد کرد (Jhingran and Sankar, 2009). بدین ترتیب پژوهش حاضر می‌کوشد با در نظر گرفتن کارکرد مدارس به شکل سیستمی و وجود نابرابری‌ها در زمینه، درونداد، فرایند و برونداد سیستم آموزش و پرورش، وضعیت موجود در مدارس مقطع ابتدایی شهر تهران را شناسایی نماید تا بتواند با شناخت کمبودها و امکانات در این مقطع حساس تحصیلی در شهر تهران، مدیران و برنامه‌ریزان امور آموزش و پرورش را یاری نماید تا بتوانند راهکارها و استراتژی‌های مناسبی در جهت رفع این کمبودها اتخاذ کنند. بنابراین پژوهشگر در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که وضعیت آموزش ابتدایی در شهر تهران چگونه است؟ و شاخص‌های برقراری برابری آموزشی کدامند؟

در پژوهشی (Becky francis, 2019) تحت عنوان نقش معلم مدارس در برابری و نابرابری‌های اجتماعی و آموزشی را انجام دادند. نتایج نشان داد که معلمان باتجربه بیشتر و با سطح سواد بالاتر به دانش‌آموزان سطوح بالاتر اجتماعی اختصاص داده می‌شوند. همچنین معلمان مجموعه‌های آموزشی رده‌های بالاتر اجتماعی، از دانش‌آموزان انتظارات با استانداردهای رفتاری بالاتری را دارند. برعکس معلمان سطوح پایین‌تر به رده‌های پایین‌تر اجتماعی اختصاص داده می‌شوند. یافته‌های پژوهش از دیدگاه عدالت آموزشی و اجتماعی نشان می‌دهند که پیامدهای توزیع نابرابر معلمان منجر به نابرابری‌های اجتماعی و آموزشی می‌شود. (Dennis & et al, 2018) تحقیقی تحت عنوان "محله، نژاد و نابرابری آموزشی" را در کالج سولت لیک در کشور آمریکا انجام دادند. در این تحقیق هرچند نقش آموزش و پرورش برای کاهش فقر را رو به تحرک به جلو می‌دانند ولی اظهار کرده‌اند که افزایش نابرابری آموزشی نگرانی‌های زیادی را در آمریکا ایجاد کرده است و به نقش محله در آموزش و پرورش و همچنین به بررسی عوامل زمینه‌ای در تعاملات دانش‌آموزان در مدارس پرداخته شده است. (Rafatti, 2019) در پژوهشی با عنوان الگوی ساختاری نابرابری آموزشی در مناطق آموزشی شهر مشهد به روش همبستگی به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های نابرابری آموزشی از دیدگاه مدیران و دانش‌آموزان مناطق آموزشی شهر مشهد پرداخت. نتایج نشان داد که مهم‌ترین مؤلفه‌های نابرابری آموزشی در مناطق هفت‌گانه آموزشی شهر مشهد عبارت‌اند از زمینه خانوادگی، فرآیند مدرسه، برونداد و نتایج و درونداد همچنین نتایج الگوسازی معادلات ساختاری نشان‌دهنده

این موضوع است که رابطه مستقیم و معناداری بین شاخص‌های متغیرهای مستقل عوامل زمینه خانوادگی فرآیند مدرسه، برونداد و نتایج و درونداد با متغیر وابسته نابرابری آموزشی وجود دارد. Karimi Moghari et al (2019) در پژوهشی با عنوان اثر نابرابری آموزشی بر نرخ اشتغال استان‌های ایران انجام داده‌اند. نتایج برآورد الگو نشان می‌دهد که بین نرخ اشتغال و نابرابری آموزشی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در استان‌های محروم و برخوردار ارتباط بین روند تغییرات نرخ اشتغال و ضریب جینی آموزشی منفی است و در همه استان‌های کشور با کاهش ضریب جینی آموزشی نرخ اشتغال روندی افزایش یافته است. (Saberi and Nasrollahi (2018 در مقاله‌ی خود که باهدف شناخت میزان برخورداری آموزشی سکونتگاه‌های استان ایلام صورت گرفت، نشان دادند که نابرابری در توزیع خدمات و امکانات آموزشی در استان ایلام مشهود است و شهرستان‌های مهران، آبدانان و ایلام از شهرستان‌های نسبتاً محروم به شمار می‌روند. این پژوهش در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- ۱) مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران کدامند؟
- ۲) وضعیت مطلوب برای کاهش نابرابری آموزشی و شاخص‌های آن در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران چگونه است؟
- ۳) الگوی مناسب برای کاهش نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران کدام است؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت پژوهشی از نوع توصیفی-تحلیلی است. از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع میدانی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل کلیه خبرگان حوزه آموزش عمومی می‌باشد از آنجایی که خبرگان و صاحب‌نظران حوزه آموزش عمومی که در حوزه مورد مطالعه (نابرابری آموزشی) تسلط داشته باشند به وضوح قابل شناسایی نیستند از این رو از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی استفاده شد و در نهایت با مصاحبه کردن با تعداد ۱۴ نفر از خبرگان آموزشی اطلاعات به حد اشباع رسید. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته می‌باشد. که سؤالات مصاحبه به شرح زیر می‌باشد:

- به نظر شما مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری در مدارس دوره ابتدایی کدام‌اند؟
- به نظر شما وضعیت مطلوب نظام آموزشی جهت کاهش نابرابری‌های آموزشی دارای چه ویژگی‌های می‌باشد؟
- به نظر شما الگوی مناسب کاهش نابرابری آموزشی دارای چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی است؟

## یافته‌های پژوهش

پاسخ سؤال اول: ۱. مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران کدامند؟ برای بررسی مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران با استفاده از روش کیفی و تکنیک تحلیل مضمون به تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختارمند با خبرگان و صاحب‌نظران حوزه آموزش عمومی خواهیم پرداخت. در نهایت تعداد ۱۴ (حد اشباع ۱۴ نفر) مصاحبه انجام پذیرفت که متن مصاحبه‌ها و کدگذاری‌ها به تفکیک در جداول شماره ۱ آمده است:

جدول ۱: جدول مصاحبه با متخصصین و انتخاب کدها

کدگذاری‌ها	متن مصاحبه‌ها
<ul style="list-style-type: none"> <li>- انتظارات و آرزوهای والدین ، -</li> <li>وضعیت تحصیلی والدین ، -</li> <li>سرمایه فرهنگی خانواده ، - آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان ، - تعداد افراد خانواده (کاهش جمعیت خانواده به‌منزله مناسب بودن وضعیت تلقی می‌گردد) ، -</li> <li>امکانات و فضای آموزشی ، - منابع انسانی ، - مدیریت مدرسه ، - پیشرفت تحصیلی ، - وضعیت قبولی دانش‌آموزان در مدارس نمونه دولتی و تیزهوشان ، -</li> <li>مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی</li> </ul>	<p>شاخص‌های نابرابری از لحاظ فرایندی عبارت‌اند از: ۱- انتظارات و آرزوهای والدین ۲- وضعیت تحصیلی والدین ۳- سرمایه فرهنگی خانواده ۴- آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان ۵- تعداد افراد خانواده (کاهش جمعیت خانواده به‌منزله مناسب بودن وضعیت تلقی می‌گردد) ۶- امکانات و فضای آموزشی ۷- منابع انسانی ۸- مدیریت مدرسه ۹- پیشرفت تحصیلی ۱۰- وضعیت قبولی دانش‌آموزان در مدارس نمونه دولتی و تیزهوشان ۱۱- مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- زمینه خانوادگی بخصوص وضعیت اجتماعی اقتصادی (ترکیبی از تحصیلات، شغل و درآمد والدین) ، - شاخص بروندهای غیر شناختی ، - شاخص امکانات فیزیکی فضاهای آموزشی ، - شاخص اقتصادی</li> </ul>	<p>به نظر این‌جانب مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران شامل؛ زمینه خانوادگی بخصوص وضعیت اجتماعی اقتصادی (ترکیبی از تحصیلات، شغل و درآمد والدین)، شاخص بروندهای غیر شناختی ، شاخص امکانات فیزیکی فضاهای آموزشی ، شاخص اقتصادی می‌باشد</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- شاخص‌های اقتصادی ، - شاخص‌های امکانات فیزیکی (امکانات مدرسه) ، - رسیدگی متولیان آموزشی</li> </ul>	<p>به نظر این‌جانب بیشترین تأثیر گزاری را شاخص‌های اقتصادی و امکانات فیزیکی در شهر تهران در برمی‌گیرد. با توجه به اینکه مدارس ابتدایی در نقاط مختلف شهر تهران از لحاظ نابرابری را می‌توان به نابرابری اقتصادی و فاصله طبقاتی تعریف کرد و هرچه از مناطق پایین و حاشیه شهر تهران به</p>

	<p>مراکز مرکزی و بالاتر می‌رویم و همین امکانات مدرسه و رسیدگی متولیان آموزشی به دانش‌آموزان بهتر می‌شود</p>
<p>- شاخص‌های سیاسی، - شاخص‌های اجتماعی، - شاخص‌های اقتصادی، - شاخص‌های جغرافیایی</p>	<p>از جمله مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری را می‌توان شاخص‌های زمینه‌ای (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) نام برد که در شهر تهران به وفور قابل مشاهده هستند.</p>
<p>- ساخت‌های اجتماعی، - بعد اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی (زمینه‌ای)، - بعد شاخص‌های برون داد</p>	<p>بیشترین تأثیر مربوط به ساخت‌های اجتماعی و بعد اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی (زمینه‌ای) و بعد شاخص‌های برون داد</p>
<p>- میزان دسترسی به مدرسه - خود فضای آموزشی (مدرسه و کلاس) و امکانات - آموزشی تبار گرایی - وضعیت اقتصادی خانواده‌های - میزان توجه معلم به دانش‌آموزان</p>	<p>- میزان دسترسی به مدرسه می‌تواند یکی از شاخص‌های نابرابری باشد چونکه مسافت زیاد باعث از بین رفتن انگیزه می‌شود به‌طوریکه وقتی اولیاء یا دانش‌آموزان ابتدایی که سن کمی دارند قرار باشد مسافت زیادی را طی نمایند تا به مدرسه برسند خسته می‌شوند و یا اولیا متحمل هزینه می‌گردد، یعنی میزان دسترسی به محل تحصیل یک شاخص نابرابری است. یکی دیگر خود فضای آموزشی (مدرسه و کلاس) و امکانات می‌باشد، در مدارس که دارای کلاسهای مرتب و تمیز و امکانات و تجهیزات آموزشی می‌باشند و سطح دسترسی یک دانش‌آموز ابتدایی به امکانات و تجهیزات آموزشی می‌باشند و سطح دسترسی یک دانش‌آموز ابتدایی به امکانات و تجهیزات آموزشی می‌باشند و سطح دسترسی یک دانش‌آموز ابتدایی به امکانات و تجهیزات آموزشی کمک آموزشی و مطلوبیت فضای آموزشی یک شاخص نابرابری است یعنی مدرسه کم امکانات نسبت به مدرسه دارای امکانات می‌تواند به‌عنوان یک شاخص نابرابری آموزشی باشد. یکی دیگر از شاخص‌های نابرابری آموزشی تبار گرایی می‌باشد. چنانچه در بعضی از مدارس به افراد مهاجر (روستائیان مهاجران کشورهای بیگانه قومیت‌های متفاوت موجود در کشور . . .) می‌تواند در فرهنگ مدرسه تأثیر گذار باشد و کادر آموزشی مدرسه در ارائه خدمات آموزشی به دانش‌آموزان دچار تبعیض ارائه خدمات آموزشی گردند که نتیجه آن می‌تواند افت تحصیلی دانش‌آموزان اقلیت یا قومیت‌های اقلیت گردد. یکی دیگر از شاخص‌های نابرابری آموزشی وضعیت اقتصادی خانواده‌های دانش‌آموزان می‌باشد، دانش‌آموزانی که دارای اولیاء پولدارتر می‌باشند می‌توانند پوشش بهتر امکانات کمک آموزشی بهتر (لوازم کمک درسی کتب تقویتی و . . .) برای فرزندان خود تهیه نمایند که این امر باعث افت انگیزه به‌ویژه در سنین کودکی در دبستان جهت تحصیل می‌گردد حتی در مواردی کادر آموزشی مدرسه فرزندان افراد ثروتمندتر یا دارای نفوذ سیاسی و</p>

	<p>فرهنگی را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند. بطوریکه باعث ایجاد تبعیض در ارائه خدمات آموزشی در کلاس و خارج از کلاس می‌گردند. یکی دیگر از شاخصهای نا برابری آموزشی میزان توجه معلم به دانش‌آموزان می‌باشد. بطوریکه دانش‌آموزان که مورد علاقه شخصی معلم هستند یا روابط خاصی با اولیاء آن‌ها دارند یا آرام‌تر هستند بیشتر مورد توجه معلم قرار می‌گیرند مثلاً معلمان دوست دارند دانش‌آموز در کلاس نسبت به تدریس اعتراض نکند کوچکترین بی‌انضباطی نکنند و تکالیفشان را برابر خواسته معلم انجام دهند و اگر چند مرتبه یک دانش‌آموز به حرف معلم گوش ندهد ممکن است در رفتار گفتار یا حتی نگاه عدالت آموزشی را رعایت نکند یا حتی در بعضی از موارد باعث ترک تحصیل دانش‌آموز شود.</p>
<p>- شاخص وضعیت اقتصادی خانواده های دانش‌آموزان - سطح رفاه اجتماعی</p>	<p>از نظر من مهم‌ترین شاخص وضعیت اقتصادی خانواده‌های دانش‌آموزان می‌باشد که نقش بسیار تعیین‌کننده دارد عدالت آموزشی در یک جامعه وقتی می‌تواند اجرا شود که سطح رفاه اجتماعی در وضعیت مطلوب باشد یا خانواده‌ها حداقل امکانات را جهت تحصیل فرزندان خود فراهم نمایند. میزان تاثیرگذاری شاخص بسیار موثر است چنانچه معلم به هر دلیل نسبت به دانش‌آموزی یا طیفی از دانش‌آموزان بی‌توجهی کند موجب کاهش انگیزه یادگیری پایین آمدن سطح یادگیری افت تحصیلی یا حتی ترک تحصیل می‌شود.</p>
<p>- برخورداری از معلمان خوب، - توجه به کیفیت آموزشی، - میزان امکانات و تجهیزات آموزشی، - میزان بهره‌مندی از آموزش</p>	<p>الف) اغلب معلم‌های خوب، عمدتاً در مدارس افراد برخوردار و فرادستان خدمت می‌کنند. ب) تفاوت قابل توجه در کیفیت آموزشی بین مدارس ج) میزان امکانات و تجهیزات آموزشی. د) میزان بهره‌مندی گروه‌ها و طبقات گوناگون از آموزش. ه) آموزش در کشور ما کالای فرهنگی شده است، یعنی برای طبقه برخوردار قابل خریدن شده است.</p>

جدول شماره ۲ جدول مصاحبه نیمه سازمان یافته با صاحب نظران و خبرگان و انتخاب کدها را نشان می‌دهد. در این بخش از پژوهش، فهرستی از کدهای مختلف به دست آمده است که باید این کدها در قالب مضامین مرتب شوند. بنابراین بعد از مکتوب نمودن داده‌ها، و با مطالعه مکرر و ثبت ایده‌های اولیه، تلاش گردید تا کدهای معنادار مشخص گردد و در نهایت شکل ادغام شده و نهایی مضامین پایه‌ی مستخرج از مصاحبه‌ها در قالب جدول ۲ آمده است:



جدول ۲: شکل ادغام شده و نهایی مضامین پایه‌ی مستخرج از مصاحبه‌ها و مقدار فراوانی هر یک

ردیف	کدهای استخراج شده	تعداد دفعات تکرار
۱	انتظارات و آرزوهای والدین	۱
۲	وضعیت تحصیلی والدین	۱
۳	سرمایه فرهنگی خانواده	۱
۴	آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان	۱
۵	جمعیت کم خانواده	۱
۶	امکانات و فضای آموزشی	۴
۷	منابع انسانی (معلمان خوب)	۲
۸	مدیریت مدرسه	۱
۹	پیشرفت تحصیلی	۱
۱۰	وضعیت قبولی دانش‌آموزان در مدارس نمونه	۱
۱۱	مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی	۱
۱۲	وضعیت اجتماعی خانواده‌ها	۳
۱۳	اقتصادی (ترکیبی از تحصیلات، شغل و درآمد والدین)	۵
۱۴	رسیدگی متولیان آموزشی	۱
۱۵	شاخص‌های جغرافیایی	۲
۱۶	میزان دسترسی و میزان بهره‌مندی از آموزش	۲
۱۷	آموزشی تبار گرایی	۱
۱۸	میزان توجه معلم به دانش‌آموزان	۱
۱۹	توجه به کیفیت آموزشی	۱

در تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های با ۱۴ نفر (خبرگان و صاحب‌نظران حوزه آموزش عمومی)، تعداد ۳۷ کد به دست آمد که بعد از حذف کدهای تکراری و ادغام موارد مشابه، تعداد ۱۹ کدهای حاصل شد. که در جدول شماره ۲ آمده است. در ادامه و در جدول شماره ۳ به ترکیب کدهای مستخرج شده از بررسی اسناد و مصاحبه نیمه سازمان یافته خواهیم پرداخت. بر این اساس مخلفه‌ها، شاخص‌ها و مقوله‌های استخراج شده نهایی در ادامه آمده است:

جدول شماره ۳: ترکیب کدهای مستخرج شده از بررسی اسناد و مصاحبه نیمه سازمان یافته

مخلفه‌ها	شاخص‌ها	مقوله‌ها
درونداد	شاخص امکانات فیزیکی	امکانات و فضای آموزشی مناسب، تجهیزات آموزشی، میزان دسترسی و میزان بهره‌مندی از آموزش
	شاخص نیروی انسانی	منابع انسانی (معلمان خوب)، کادر آموزشی و غیر آموزشی باکیفیت، مدیریت مدرسه،
	شاخص اقتصادی	مزایای اقتصادی آموزش و پرورش
	شاخص دانش‌آموزی	نسبت دانش‌آموز در منطقه، نسبت کتاب به دانش‌آموزان در منطقه
فرایندی	جو انضباطی	ادراک دانش‌آموز از جو انضباطی مدرسه
	ارتباط	ادراک دانش‌آموز از نحوه برقراری تعامل و ارتباط معلم با دانش‌آموزان
	ادراک عدالت	عدم تبعیض، میزان توجه معلم به دانش‌آموزان
	کمیت آموزش دریافتی	به‌کارگیری نحوه تدریس و انجام فعالیت‌های یاددهی مناسب
	حمایت	ادراک دانش‌آموز از حمایت از سوی معلم
	انتظارات	ادراک دانش‌آموز از برخورد عادلانه در مدرسه و نابرابری‌ها در انتظار تحصیل
	زمینه خانوادگی	وضعیت اجتماعی
وضعیت اقتصادی		درآمد خانواده، هزینه‌ها
وضعیت تحصیلی والدین		میزان سواد پدر و مادر و اعضای خانواده
سرمایه فرهنگی		توجه به آداب و رسوم، بناهای تاریخی، گردشگری
ساختار خانواده		جمعیت کم خانواده
حساسیت تحصیلی		میزان توجه به وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان
آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان و والدین		حساسیت به داشتن مدارک علمی بالا توسط خانواده
برونداد	بروندادهای شناختی	پوشش تحصیلی
		معدل دروس نهایی، پیشرفت تحصیلی
		درصد قبولی در کنکور
		نرخ ارتقاء پایه
	بروندادهای غیر شناختی	تعلق به مدرسه
		انگیزش نسبت به مدرسه
		خودپنداره تحصیلی
		رشد اعتقادی
		مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی

مزایای اقتصادی آموزش و پرورش	پیامدهای فردی آموزش و پرورش	زمینه فردی نابرابری	
مزایای اجتماعی آموزش و پرورش			
نابرابری در درآمد و فقر	نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی		
نابرابری‌های امنیت اقتصادی			
سطح تحصیلات بزرگسالان	منابع فرهنگی		
منابع فرهنگی دانش‌آموزان			
کارهای فرهنگی دانش‌آموزان			
آرزوهای شغلی دانش‌آموزان	آرزوها و ادراکات		
معیارهای دانش‌آموزان از انصاف			
عقاید کلی دانش‌آموزان درباره انصاف			
آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان			
موفقیت شغلی با سطح تحصیلات	آموزش و پرورش و تحرک اجتماعی	تأثیرات اجتماعی و سیاسی نابرابری‌ها در آموزش و پرورش	
تأثیر ریشه اجتماعی بر وضعیت شغلی			
سهم تحصیل کرده‌ترین تا فقیرترین	مزایای آموزش برای محرومان		
قضایات دانش‌آموزان درباره برابری سیستم‌های آموزشی	تأثیرات جمعی نابرابری‌ها		
انتظارات دانش‌آموزان از سیستم‌های آموزشی			
احساس دانش‌آموزان درباره عدالت در سیستم‌های آموزشی			
تحمل			
جایگاه اجتماعی خانواده	وضعیت اجتماعی خانواده‌ها		
محل زندگی	شاخص‌های جغرافیایی		شاخص‌های جغرافیایی

جدول شماره ۳ به ترکیب کدهای مستخرج شده از بررسی اسناد و مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته پرداخته است. بر این اساس ۷ مخلفه‌ها، ۲۸ شاخص استخراج شده است. که نتایج به‌طور کامل در جدول بالا آمده است.

پاسخ سؤال دوم: وضعیت مطلوب برای کاهش نابرابری آموزشی و شاخص‌های آن در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران چگونه است؟ برای بررسی وضعیت مطلوب کاهش نابرابری آموزشی و شاخص‌های آن در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران از روش کیفی و تکنیک تحلیل مضمون استفاده شد. در ادامه به تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختارمند با خبرگان و صاحب‌نظران حوزه آموزش عمومی خواهیم پرداخت. تعداد افراد مصاحبه‌شونده ۱۴ نفر (حد اشباع ۱۴ نفر) می‌باشد. نتایج مصاحبه‌ها و کدگذاری‌ها به تفکیک در جداول زیر آمده است:

جدول ۴: جدول مصاحبه با متخصصین و انتخاب کدها

کدگذاری‌ها	متن مصاحبه
تلاش مدیریت کلان آموزش و پرورش در راستا کاهش احساس نابرابری والدین، معلمین، سامانه مدیریت مدرسه و دانش آموزان، -افزایش میزان دسترسی دانش آموزان به امکانات از لحاظ کمیت و کیفیت (با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌ها) نابرابری و همچنین احساس نابرابری کاهش خواهد یافت.	بخشی از نابرابری به احساس نابرابری والدین، معلمین، سامانه مدیریت مدرسه و دانش آموزان مربوط است و تلاش مدیریت کلان آموزش و پرورش در این راستا می‌تواند کمک‌کننده باشد. انتظار می‌رود با افزایش میزان دسترسی دانش آموزان به امکانات از لحاظ کمیت و کیفیت (با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌ها) نابرابری و همچنین احساس نابرابری کاهش خواهد یافت.
توجه و سرمایه‌گذاری دولت به مناطق محروم‌تر از لحاظ اقتصادی، - دادن اولویت‌ها و امتیازات خاص به مدارس این مناطق، - نظارت کامل بر روند اجرای کامل مسائل آموزشی	در وهله اول توجه و سرمایه‌گذاری دولت به مناطق محروم‌تر از لحاظ اقتصادی چه از لحاظ دستمزد و حقوق متولیان آموزشی در این مناطق و چه رسیدگی به امور آموزشی و تربیتی دانش آموزان این مناطق و دادن اولویت‌ها و امتیازات خاص به مدارس این مناطق و از طرف دیگر نظارت کامل بر روند اجرای کامل مسائل آموزشی در همه مناطق آموزشی شهر تهران
ارتقاء به‌نظام‌های توسعه‌یافته‌تر، - تأکید بر توسعه مهارت‌های اجتماعی، - تربیت و آموزش در جهت ایجاد تفکر اخلاقی و انسانی در دانش آموزان، - تأکید بر تغییر ساختارهای اجتماعی	ارتقاء به‌نظام‌های توسعه‌یافته‌تر (در ابعاد اجتماعی و سیاسی و اقتصادی) با احترام به حقوق افراد و تأکید بر توسعه مهارت‌های اجتماعی و تربیت و آموزش در جهت ایجاد تفکر اخلاقی و انسانی در دانش آموزان (با تأکید بر تغییر ساختارهای اجتماعی)
- وجود فضایل اخلاقی در کادر آموزشی، - توجه ویژه به دینداری در یک نظام آموزش، - افزایش فراهم آوردن قدرن اندیشیدن بیشتر در حفره فرهنگ، - نحوه پاسخگویی کادر آموزشی و نظام آموزشی به نیازهای دانش آموزان	مطلوب نظام آموزشی جهت کاهش نابرابری آموزشی کادر آموزشی می‌باشد که می‌بایستی دارای فضایل اخلاقی باشند تا بتوانند دانش آموزان را علاقه‌مند به فراگیری دین هنر و علم نمایند. دومین ویژگی توجه ویژه به دینداری در یک نظام آموزش است چرا که مطابق با فطرت انسانی است در واقع مهم‌ترین ویژگی یک نظام آموزشی می‌بایستی دینداری باشد سومین افزایش فراهم آوردن قدرن اندیشیدن بیشتر در حفره فرهنگ ایران زمین و معطوف کردن توجه دانش پژوهان به خصایص پهلوانی و جوانمردی و قلندری و رادمردی ایرانیان به‌ویژه در تمدن غنی ایران زمین می‌باشد یعنی اسطوره‌سازی ویژه پهلوانان طوریکه نتیجه آن رعایت عدالت آموزشی و مزین شدن سیستم آموزشی به برقراری عدالت آموزشی گردد. چهارمین ویژگی نحوه پاسخگویی کادر آموزشی و نظام آموزشی به نیازهای دانش آموزان می‌باشد بطوریکه در یک فضای دوستی و الفت و تداوم یک رابطه عاطفی قطعاً میزان رعایت عدالت آموزشی تقویت می‌شود. یعنی دانش آموزان به سادگی نیازهای واقعی و نظرات خود را با معلمین و مسؤولین مدرسه مطرح کنند و دستگاه آموزشی مدرسه نیز سریعاً نسبت به نظراتشان عکس العمل نشان دهند.

<p>- توجه به برنامه‌ریزی‌های درست دولتی</p> <p>- توجه به ساختار اقتصادی - اجتماعی</p> <p>- تغییر نگاه سیاسی به‌نظام آموزشی</p>	<p>یکی از دلایل نابرابری‌های آموزشی، برنامه‌ریزی‌های نادرست دولتی است ولی ریشه اصلی و بنیادین آن، نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی است که برنامه‌ریزی‌های دولتی نیز بر آن مینا استوار می‌شود. از نظر من توسعه و پیشرفت آموزشی و رسیدن به وضعیت مطلوب به اقدامات دولت ها بر می‌گردد. اما اگر برنامه‌ریزی درستی هم داشته باشیم که البته در شرایط نابرابر امکانش کم است و ساختار اقتصادی - اجتماعی و نگاه سیاسی به گونه ای نباشد که برابری آموزشی را ترویج کند، ما همچنان با آموزش توسعه‌یافته ای مواجه نخواهیم بود.</p>
<p>- تأمین نیروی انسانی و معلمین توانمند بر اساس مدارس</p> <p>- انتظارات و آرزوهای والدین</p> <p>- وضعیت تحصیلی والدین</p> <p>- مدیریت مدرسه</p> <p>- امکانات و فضای آموزشی</p> <p>- اعتبارت و بودجه مدرسه</p>	<p>اینجانب تأمین نیروی انسانی و معلمین توانمند بر اساس نیازهای مدارس می‌تواند به منزله رکن اصلی کاهش نابرابری‌های آموزشی تلقی گردد. - انتظارات و آرزوهای والدین: بدیهی است چنانچه والدین انتظارات معقول و نسبتاً بالایی از فرزندان خود داشته باشند احتمالاً تلاش بیشتری صرف موفقیت آنان خواهند کرد و چنانچه پیشرفت فرزندان برایشان اولویت زیادی نداشته باشد و ذهنشان درگیر مسائل دیگر مانند معاش باشد حتی با وجود امکانات مناسب ممکن است این دانش‌آموزان از انگیزه کافی برای تحصیل برخوردار نشوند. خوشبختانه تعداد زیادی از والدین حداقل در دوران ابتدایی تلاش بسیار زیادی در راستای موفقیت فرزندان مبذول نموده و به اعتقاد بنده این تلاش‌ها تا مرز ایثار پیش می‌رود بگونه ای که خودشان را از بسیاری تفریحات و استراحت‌ها محروم می‌نمایند و بدین وسیله بخش زیادی از خلأ آموزش و پرورش جبران می‌گردد. لذا این گونه والدین معمولاً این تلاش‌ها را با امید نسبت به آینده فرزندان انجام می‌دهند. - وضعیت تحصیلی والدین: همچنین تحصیلات بالای والدین و همچنین وضعیت فرهنگی و اقتصادی والدین می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها کمک کند. - مدیریت مدرسه: همه عوامل انسانی در مدرسه از جمله سامانه مدیریت و معلمین مدرسه از شاخص‌های نابرابری در مدارس می‌باشند. مدرسه‌ای که از کادر مدیریت و معلمان توانمند برخوردار باشند بخوبی اهداف مدرسه و آموزش و پرورش را پیش خواهند برد. در این گونه مدارس معمولاً مدیر از سبک رهبری مناسب و حتی المقثور مشارکتی استفاده نموده و تا حدود زیادی فعالیت‌های مدرسه به یک تیم کاری نزدیک می‌گردد. در این گونه مدارس افراد به مدرسه احساس تعلق خواهند داشت و حتی با وجود مسئله ملی بستر یادگیری برای دانش‌آموزان تقریباً مهیا خواهد شد. انتظار می‌رود عملکرد کارکنان هم زمان با افزایش سطح تحصیلات افزایش یابد به شرط آنکه محیط مناسبی با حمایت مدیر و همچنین نظام آموزش و پرورش شکل گیرد. - امکانات و فضای آموزشی: امکاناتی از قبیل کلاس، اماکن ورزشی،</p>

## ۲۳۲ الگوی مناسب کاهش نابرابری آموزشی در مدارس ابتدایی شهر تهران

	<p>آزمایشگاه، کتابخانه در مناطق کم برخوردار حتماً به کاهش نابرابری ها کمک خواهد کرد. - اعتبارت</p>
<p>- آموزش متکی بر سیستم‌های آموزشی نوین و دیجیتالی ، - ارتقاء تفکر در دانش‌آموزان ، - تغییر در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی ، شکل‌گیری زیرساخت‌های مناسب آموزشی ، - مسيردهی به شناسایی دانش‌آموزان استعداد های درخشان ، - جلوگیری از فعالیت مؤسسات کمک‌آموزشی</p>	<p>حرکت به سمت آموزش متکی بر سیستم‌های آموزشی نوین و دیجیتالی و ارتقاء تفکر در دانش‌آموزان و همچنین والدین بخصوص در مناطق جنوب شهر و حاشیه‌ای، تغییر در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در مناطق با ترکیب‌بندی‌های طبقات اجتماعی مختلف برای شکل‌گیری زیرساخت‌های مناسب آموزشی، مسيردهی به شناسایی دانش‌آموزان استعداد های درخشان، جلوگیری از فعالیت مؤسسات کمک‌آموزشی که به نگاه های کسب درآمد برای خود و تنها هدف سرکسسه کردن والدین می‌باشند و یا در جهت حذف نابرابری تشکیل مؤسسات آموزشی دولتی با بودجه دولت برای کلیه دانش‌آموزان .</p>
<p>- عبور از سیستم آموزشی فعلی ، - حرکت به سمت آموزش متکی بر ارتقاء تفکر در دانش‌آموزان ، - تغییر در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در مناطق ، - ترکیب بندی‌های متفاوت قومی برای شکل‌گیری زیرساخت‌های آموزشی ، - مسيردهی به شناسایی نخبگان ، -مقابله با مؤسسات کمک‌آموزشی به دلیل تحریک نابرابری ، - برنامه‌ریزی برای تغییر در رویکرد مسؤولین سیاسی</p>	<p>عبور از سیستم آموزشی فعلی و حرکت به سمت آموزش متکی بر ارتقاء تفکر در دانش‌آموزان و نه صرفاً تأکید بر حفظ کردن - تغییر در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در مناطق با ترکیب بندی‌های متفاوت قومی برای شکل‌گیری زیرساخت‌های آموزشی ، مسيردهی به شناسایی نخبگان ، مقابله با مؤسسات کمک‌آموزشی به دلیل تحریک نابرابری ، برنامه‌ریزی برای تغییر در رویکرد مسؤولین سیاسی به موضوع آموزش و تربیت و اهداف نظام آموزش و پرورش و کارکرد آن می‌باشد.</p>
<p>پیاده سازی سازی سیستم های اطلاعات جدید</p>	<p>پیاده سازی سازی سیستم های اطلاعات جدید از جمله مهم‌ترین روش هایی است که مدیران ارشد آموزش پرورش لازم است در این راستا از آن برخوردار باشند.</p>
<p>- اختصاص بودجه آموزشی و کمک‌آموزشی و همچنین امکانات فضای آموزشی بصورت منطقه ای و با تفاوت های اقتصادی مردم منطقه و با احتساب میانگین حقوق والدین در مناطق مختلف شهر تهران از پایین شهر تا بالای شهر</p>	<p>اختصاص بودجه آموزشی و کمک‌آموزشی و همچنین امکانات فضای آموزشی بصورت منطقه ای و با تفاوت های اقتصادی مردم منطقه و با احتساب میانگین حقوق والدین در مناطق مختلف شهر تهران از پایین شهر تا بالای شهر</p>
<p>- عدم وجود دیدگاه مناسب نسبت به اهمیت آموزش و پرورش در سطح مدیریت کلان کشور می‌باشد. مانع اصلی رویکرد صاحبان قدرت و ثروت و فاصله طبقاتی و شکاف طبقاتی حاکم در شهر تهران می‌باشد. و اینکه چه ویژگی‌هایی برای بقاء جامعه کشور مفروض گرفته اند و یا حقوق انسانی چه جایگاهی برای آنان دارد</p>	<p>عدم وجود دیدگاه مناسب نسبت به اهمیت آموزش و پرورش در سطح مدیریت کلان کشور می‌باشد. مانع اصلی رویکرد صاحبان قدرت و ثروت و فاصله طبقاتی و شکاف طبقاتی حاکم در شهر تهران می‌باشد. و اینکه چه ویژگی‌هایی برای بقاء جامعه کشور مفروض گرفته اند و یا حقوق انسانی چه جایگاهی برای آنان دارد</p>

جدول شماره ۴ جدول مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته با خبرگان و صاحب‌نظران حوزه آموزش عمومی و انتخاب کدها را نشان می‌دهد. در این بخش از پژوهش، فهرستی از کدهای مختلف به دست آمده است که باید این کدها در قالب مضامین مرتب شوند. بنابراین بعد از مکتوب نمودن داده‌ها، و با مطالعه مکرر و ثبت ایده‌های اولیه، تلاش گردید

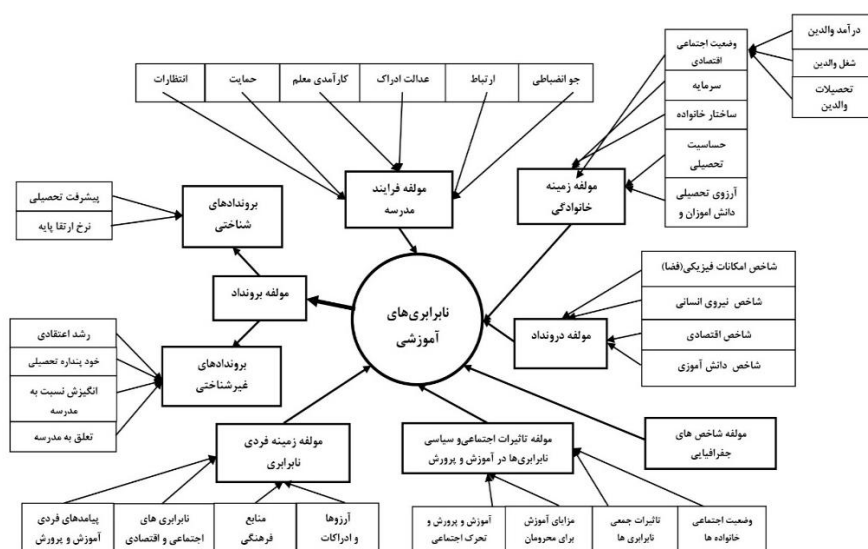
تا کدهای معنادار مشخص گردد و در نهایت شکل ادغام‌شده و نهایی مضامین پایه‌ی مستخرج از مصاحبه‌ها در قالب جدول ۵ آمده است:

جدول ۵: شکل ادغام‌شده و نهایی مضامین پایه‌ی مستخرج از مصاحبه‌ها و مقدار فراوانی هر یک

ردیف	کدهای استخراج‌شده	تعداد دفعات تکرار
۱	تلاش مدیریت کلان آموزش و پرورش در راستا کاهش احساس نابرابری	۲
۲	افزایش میزان دسترسی دانش‌آموزان به امکانات از لحاظ کمیت و کیفیت	۱
۳	توجه و سرمایه‌گذاری دولت به مناطق محروم‌تر از لحاظ اقتصادی	۱
۴	دادن اولویت‌ها و امتیازات خاص به مدارس این مناطق محروم	۳
۵	نظارت کامل بر روند اجرای کامل مسائل آموزشی	۱
۶	تأکید بر توسعه مهارت‌های اجتماعی	۱
۷	تربیت و آموزش در جهت ایجاد تفکر	۲
۸	تأکید بر تغییر ساختارهای اجتماعی	۱
۹	وجود فضایل اخلاقی و دینداری در کادر آموزشی	۳
۱۰	فراهم آوردن قدرت اندیشیدن بیشتر در حوزه فرهنگ	۱
۱۱	نحوه پاسخگویی کادر آموزشی و نظام آموزشی به نیازهای دانش‌آموزان	۱
۱۲	توجه به برنامه‌ریزی‌های درست دولتی	۱
۱۳	توجه به ساختار اقتصادی - اجتماعی	۲
۱۴	تغییر نگاه سیاسی به نظام آموزشی	۲
۱۵	تأمین نیروی انسانی و معلمین توانمند بر اساس نیازهای مدارس	۱
۱۶	توجه به انتظارات و آرزوهای والدین	۱
۱۷	وضعیت تحصیلی والدین	۱
۱۸	تغییر در نگاه مدیریت مدرسه	۲
۱۹	امکانات و فضای آموزشی	۳
۲۰	اعتبارت و بودجه مدرسه	۲
۲۱	آموزش متکی بر سیستم‌های آموزشی نوین و دیجیتالی	۲
۲۲	تغییر در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی	۲
۲۳	شکل‌گیری زیرساخت‌های مناسب آموزشی	۱
۲۴	جلب‌گیری از فعالیت مؤسسات کمک‌آموزشی	۲
۲۵	ترکیب بندی‌های متفاوت قومی برای شکل‌گیری زیرساخت‌های آموزشی	۱
۲۶	مسیردهی به شناسایی نخبگان	۲
۲۷	تغییر در رویکرد صاحبان قدرت	۲

در تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های با ۱۴ نفر (خبرگان و صاحب‌نظران در حوزه آموزشی عمومی)، تعداد ۴۴ کد به دست آمد که بعد از حذف کدهای تکراری و ادغام موارد مشابه، تعداد ۲۷ کدهای حاصل شد. که در جدول شماره ۵ آمده است.

پاسخ سؤال سوم: الگوی مناسب برای کاهش نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران کدام است؟ جهت طراحی الگوی مناسب برای کاهش نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران نتایج حاصل از سؤالات قبلی ادغام و در نهایت الگوی مناسب به شرح نمودار ۱ حاصل شد. در این الگو ۷ مؤلفه و ۳۴ شاخص از بررسی پیشینه و مصاحبه‌ها استخراج شده است که به صورت مدل نهایی در زیر آمده است:



### بحث و نتیجه‌گیری

برای بررسی شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران از مصاحبه نیمه ساختاریافته هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع استفاده گردید. بر این اساس کدهای مستخرج شده از بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع و مصاحبه نیمه سازمان‌یافته شامل ۷ مخلفه‌ها و ۲۸ شاخص می‌باشد که شامل:

۱- مؤلفه درون‌داد: این مؤلفه خود دارای شاخص‌های می‌باشد که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص‌های شامل: شاخص امکانات فیزیکی: شامل امکانات و فضای آموزشی مناسب، تجهیزات آموزشی، میزان دسترسی و میزان بهره‌مندی از آموزش؛ شاخص نیروی انسانی: شامل منابع انسانی (معلمان خوب)، کادر آموزشی و غیر آموزشی باکیفیت، مدیریت مدرسه؛



شاخص اقتصادی: شامل مزایای اقتصادی آموزش و پرورش؛ شاخص دانش‌آموزی: شامل نسبت دانش‌آموز در منطقه، نسبت کتاب به دانش‌آموزان در منطقه. مصادیق مطرح‌شده در شاخص درون‌داد مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ (2018) Rafatti Haphman et al(2016), Yazdani et al(2013), Aysanhatt(2018), Saberi & Nasrolahi(2017), Nazmfar & Alibakhshi(2014), Akbari(2015)، (2014) Gabrial et al، مورد تأکید است.

در این ارتباط، (2017) Saberi & Nasrolahi بیان می‌دارد که نابرابری در توزیع خدمات و امکانات آموزشی در استان ایلام مشهود است و شهرستان‌های مهران، آبدانان و ایلام از شهرستان‌های نسبتاً محروم به شمار می‌روند. (2014) Nazmfar & Alibakhshi بیان می‌کند که تفاوت آشکار و محسوسی در میزان برخورداری از امکانات و فضاهای آموزشی در بین شهرستان‌های این استان وجود دارد. (2011) Mousavi et al نشان داده است که از ۲۴ منطقه‌ی آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، منطقه‌ی بوکان و ارومیه - ناحیه ۱ به‌عنوان مناطق برخوردار شناخته شده‌اند، ۷ منطقه به‌عنوان مناطق نیمه برخوردار و ۱۵ منطقه به‌عنوان مناطق محروم محسوب می‌شوند. بیشترین میزان نابرابری با ۰/۹۱ در شاخص‌های امکانات فیزیکی و کمترین میزان نابرابری با ۰/۵۱ در شاخص‌های پیشرفت تحصیلی بوده است. همچنین امکانات اقتصادی و امکانات فیزیکی به ترتیب بیشترین و کمترین تأثیر را بر توسعه مناطق آموزش و پرورش داشته‌اند.

همچنین (2018) Aysanhatt معتقد است که یک نگرانی جدید برای بی‌عدالتی آموزشی به‌عنوان تفاوت در شانس‌های جمعی دانشجویان فردی ارائه می‌دهد. اگرچه این تلاش‌های اولیه برای ارائه قول برای شناسایی رابطه دقیق بین خصوصیات مدرسه قابل‌شناسایی و نتایج مدرسه ناموفق بودند، قابلیت دوام کلی این تکنیک‌ها را نشان دادند و مسیر را به‌سوی مرز جدید تحقیقات نشان دادند. (2016) Haphman et al نشان داد که نابرابری درآمدی افزایش نابرابری سلامت را توضیح می‌دهد، پیدا نمی‌کنیم. توضیحات ممکن این است که عوامل دیگری واسطه‌های مهم تأثیر آموزش بر سلامت هستند، یا صرفاً این‌که درآمد یک عامل تعیین‌کننده مهم مرگ‌ومیر در این زمینه در کشورهای با درآمد بالا محسوب نمی‌شود. این مطالعه به بحث در زمینه‌ی نابرابری درآمد به‌عنوان نقطه ورود به رفع نابرابری‌های سلامت کمک می‌کند.

۲- مؤلفه فرایندی: این مؤلفه خود دارای شاخص‌های می‌باشد که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص‌ها: جو انضباطی: شامل ادراک دانش‌آموز از جو انضباطی مدرسه؛ ارتباط:

شامل ادراک دانش آموز از نحوه برقراری تعامل و ارتباط معلم با دانش آموزان؛ ادراک عدالت: شامل عدم تبعیض، میزان توجه معلم به دانش آموزان؛ کمیت آموزش دریافتی (کارآمدی معلم): شامل به کارگیری نحوه تدریس و انجام فعالیت‌های یاددهی مناسب؛ حمایت: شامل ادراک دانش آموز از حمایت از سوی معلم؛ انتظارات: شامل ادراک دانش آموز از برخورد عادلانه در مدرسه و نابرابری‌ها در انتظار تحصیل می‌باشند. مصادیق مطرح شده در شاخص درون‌داد مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ (Akbari (2015)، Yazdani et al (2013)، (Aysanhatt (2018)، (Asadi (2013)، (Kakadezfouli et al (2016)، مورد تأکید است.

در این ارتباط؛ یافته‌ها (Ghasemi et al (2010)، نشان می‌دهد که بیشترین نابرابری فرصت‌های آموزشی در بعد مدرسه وجود داشته و سپس ابعاد محله و خانواده قرار می‌گیرند. (2018) Aysanhatt بیان می‌کند یک نگرانی جدید برای بی‌عدالتی آموزشی به‌عنوان تفاوت در شانس‌های جمعی دانشجویان فردی ارائه می‌دهد. اگرچه این تلاش‌های اولیه برای ارائه قول برای شناسایی رابطه دقیق بین خصوصیات مدرسه قابل‌شناسایی و نتایج مدرسه ناموفق بودند، قابلیت دوام کلی این تکنیک‌ها را نشان دادند و مسیر را به سوی مرز جدید تحقیقات نشان دادند.

۳- مؤلفه زمینه خانوادگی: این مؤلفه خود دارای شاخص‌های می‌باشد که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است. از جمله این شاخص‌ها: وضعیت اجتماعی: شامل جایگاه اجتماعی خانواده؛ وضعیت اقتصادی: شامل درآمد خانواده، هزینه‌ها؛ وضعیت تحصیلی والدین: شامل میزان سواد پدر و مادر و اعضای خانواده؛ سرمایه فرهنگی: شامل توجه به آداب و رسوم، بناهای تاریخی، گردشگری؛ ساختار خانواده: شامل تعداد اعضای خانواده، روابط خانواده؛ حساسیت تحصیلی: شامل میزان توجه به وضعیت تحصیلی دانش آموزان؛ آرزوی تحصیلی دانش آموزان و والدین: شامل حساسیت به داشتن مدارک علمی بالا توسط خانواده می‌باشند. مصادیق مطرح شده در زمینه خانوادگی مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ (Rafatti (2018)، (Asadi(2013)، (Nazmfar & Alibakhshi(2014)، (Saber & Nasrolahi(2017)، (Akbari (2010)، (Ghasemi et al (2010)، (Yazdani et al (2013)، (Hansen & Strinalt(2018)، (Cornelia & harjmout(2013) مورد تأکید است.

در این ارتباط (Ghasemi et al(2010)، در بخشی از یافته‌های خود بیان می‌دارد که بیشترین نابرابری فرصت‌های آموزشی در بعد مدرسه وجود داشته و سپس در ابعاد محله و خانواده قرار می‌گیرند. (2013) Asadi معتقد است عوامل زمینه‌ای، عوامل شخصی و عوامل محیطی بر آرزوهای تحصیلی اثر مستقیم دارد و همچنین بیان می‌کند که آرزوهای تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی اثر مستقیم و معنی‌داری دارد. (2013) Cornelia & harjmout نشان دادند که ویژگی‌های ساختاری

پیشینه اجتماعی شاگردان است. همچنین تغییرات رادیکال در دوره ابتدایی تأثیر منفی بر زندگی مدرسه آنان خواهد داشت. این مقاله تجزیه و تحلیل داده‌ها را از مطالعه پانل آموزشی ملی ارائه می‌دهد.

۴- مؤلفه برونداد: این مؤلفه خود دارای ۲ شاخص می‌باشد که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، همچنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص‌ها:

الف: بروندهای شناختی که خود شامل: پوشش تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، نرخ ارتقاء پایه می‌باشد. مصادیق مطرح شده در زمینه بروندهای شناختی مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ (Rafatti (2018)، (Nazmfar & Alibakhshi (2014)، (Akbari (2015)، (Yazdani et al (2013)، (Mousavi et al (2010)، (Kakadezfouli (2016)، et al مورد تأکید است.

الف: بروندهای غیر شناختی: تعلق به مدرسه، انگیزش نسبت به مدرسه، خودپنداره تحصیلی، رشد اعتقادی، مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی است. مصادیق مطرح شده در بروندهای غیر شناختی مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ (Moghari et al (2018)، (Nazmfar & Alibakhshi (2014)، (Akbari (2015)، (Yazdani et al (2013)، (Sephly & Hansen & Strinalt (2018)، (Gabrial et al (2014)، (Rolesten et al (2013)، مورد تأکید است.

۵- مؤلفه زمینه فردی نابرابری: این مؤلفه دارای شاخص‌های می‌باشد که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، همچنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص‌های شامل: پیامدهای فردی آموزش و پرورش: شامل مزایای اقتصادی آموزش و پرورش برای فرد و مزایای اجتماعی آموزش و پرورش؛ نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی: شامل نابرابری در درآمد و فقر، نابرابری‌های امنیت اقتصادی و اجتماعی؛ منابع فرهنگی: شامل سطح تحصیلات بزرگسالان، منابع فرهنگی و کارهای فرهنگی دانش‌آموزان؛ آرزوها و ادراکات: شامل آرزوهای شغلی دانش‌آموزان، معیارهای دانش‌آموزان از انصاف، عقاید کلی دانش‌آموزان درباره انصاف و آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان است. مصادیق مطرح شده در زمینه فردی نابرابری مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ (Yazdani et al (2013)، (Asadi (2013)، (Ghasemi et al (2010)، (Hansen & Strinalt مورد تأکید است.

۶- مؤلفه تأثیرات اجتماعی و سیاسی نابرابری‌ها در آموزش و پرورش: این مؤلفه دارای شاخص‌های می‌باشد که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، همچنین مرور نظام‌مند و بررسی

اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص‌های شامل: آموزش و پرورش و تحرک اجتماعی: شامل موفقیت شغلی با سطح تحصیلات و تأثیر ریشه اجتماعی بر وضعیت شغلی؛ مزایای آموزش برای محرومان: شامل سهم تحصیل کرده‌ترین تا فقیرترین؛ تأثیرات جمعی نابرابری‌ها: شامل قضاوت دانش‌آموزان درباره برابری سیستم‌های آموزشی، انتظارات دانش‌آموزان از سیستم‌های آموزشی، انتظارات دانش‌آموزان از سیستم‌های آموزشی، احساس دانش‌آموزان درباره عدالت در سیستم‌های آموزشی و تحمل؛ وضعیت اجتماعی خانواده‌ها: شامل جایگاه اجتماعی خانواده است. مصادیق مطرح شده در زمینه فردی نابرابری مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله: Vegnolez & massege (2010) مورد تأکید است. در این ارتباط: Vegnolez & massege (2010) معتقداند پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانش‌آموزان مهم‌ترین تأثیر را بر عملکرد مدرسه دارد.

۷- مؤلفه شاخص‌های جغرافیایی: این مؤلفه دارای شاخص‌های می‌باشد که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص محل زندگی: در این ارتباط محقق هیچ تحقیقی را چه در داخل کشور و چه خارج کشور نیافت.

- وضعیت مطلوب برای کاهش نابرابری آموزشی و شاخص‌های آن در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران چگونه است؟ برای بررسی وضعیت مطلوب کاهش نابرابری آموزشی و شاخص‌های آن در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران از مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان و صاحب‌نظران در حوزه آموزشی و کارشناسان این حوزه استفاده شد. تعداد افراد مصاحبه‌شونده ۱۴ نفر (حد اشباع ۱۴ نفر) می‌باشد. در این بخش از پژوهش، فهرستی از کدهای مختلف به دست آمد که این کدها در قالب مضامین مرتب شدند. بنابراین بعد از مکتوب نمودن داده‌ها، و با مطالعه مکرر و ثبت ایده‌های اولیه، تلاش گردید تا کدهای معنا دار مشخص گردد و در نهایت شکل ادغام شده و نهایی مضامین پایه‌ی مستخرج از مصاحبه‌ها مشخص گردید. در تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های تعداد ۴۴ کد به دست آمد که بعد از حذف کدهای تکراری و ادغام موارد مشابه، تعداد ۲۷ کدهای حاصل شد که شامل تلاش مدیریت کلان آموزش و پرورش در راستا کاهش احساس نابرابری، افزایش میزان دسترسی دانش‌آموزان به امکانات از لحاظ کمیت و کیفیت، توجه و سرمایه‌گذاری دولت به مناطق محروم‌تر از لحاظ اقتصادی، دادن اولویت‌ها و امتیازات خاص به مدارس این مناطق محروم، نظارت کامل بر روند اجرای کامل مسائل آموزشی، تأکید بر توسعه مهارت‌های اجتماعی، تربیت و آموزش در جهت ایجاد تفکر، تأکید بر تغییر ساختارهای اجتماعی، وجود فضایل اخلاقی و دینداری در کادر آموزشی، افزایش فراهم آوردن قدرن اندیشیدن بیشتر

در حفره فرهنگ، نحوه پاسخگویی کادر آموزشی و نظام آموزشی به نیازهای دانش‌آموزان، توجه به برنامه‌ریزی‌های درست دولتی، توجه به ساختار اقتصادی - اجتماعی، تغییر نگاه سیاسی به نظام آموزشی، تأمین نیروی انسانی و معلمین توانمند بر اساس نیازهای مدارس، توجه به انتظارات و آرزوهای والدین، وضعیت تحصیلی والدین، تغییر در نگاه مدیریت مدرسه، امکانات و فضای آموزشی، اعتبار و بودجه مدرسه، آموزش متکی بر سیستم‌های آموزشی نوین و دیجیتالی، تغییر در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی، شکل‌گیری زیرساخت‌های مناسب آموزشی، جلوگیری از فعالیت مؤسسات کمک‌آموزشی، ترکیب بندی‌های متفاوت قومی برای شکل‌گیری زیرساخت‌های آموزشی، مسيردهی به شناسایی نخبگان و تغییر در رویکرد صاحبان قدرت می‌باشند. مصادیق مطرح‌شده در الگوی مطلوب برنامه درسی مبتنی بر سبک‌های یادگیری در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ مصادیق مطرح‌شده در شاخص درون‌داد مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ (Saberi & Nasrolahi, 2013), (Nazmfar & Alibakhshi, 2014), (Akbari, 2015), (Yazdani et al, 2013), (Atashak, 2009), (Asadi, 2013), (Aysanhatt, 2018), (Gabrial et al, 2014), (Hansen, 2018), (Cortelia & Hart, 2013), (Niaz & Gastern, 2011), (Haphman et al, 2011) & Strinalt مورد تأکید است.

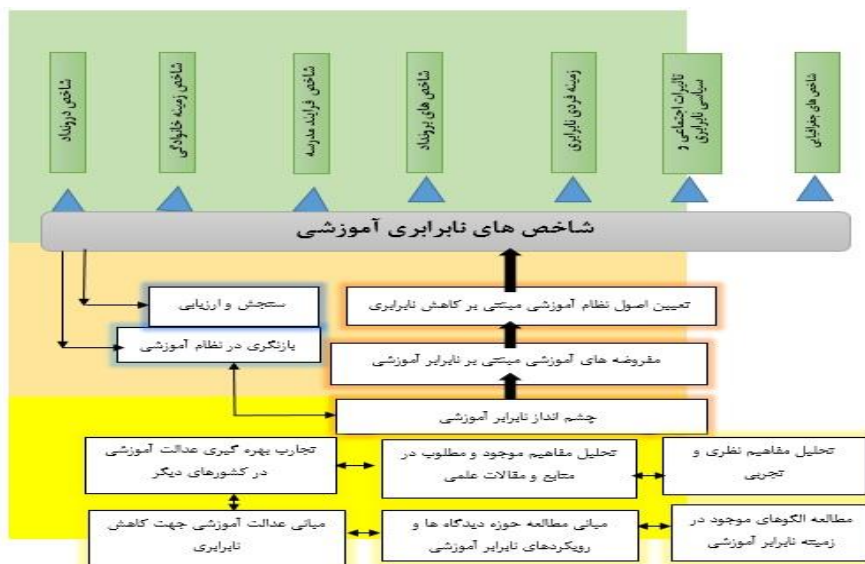
در این ارتباط (Smaeilsorkh, 2006) معتقد است تحقیقات اولیه دربارهٔ برابری آموزشی، بر برابری فرصت‌های آموزشی متمرکز است که به حق برابر تمام گروه‌های اجتماعی در استفاده از فرصت‌های آموزشی اشاره دارد.

به عقیدهٔ (Horn, 2010) نابرابری فرصت‌های آموزشی، به‌عنوان تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانش‌آموز، بر اساس یادگیری او تعریف می‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم سیستم‌های آموزشی این است که موفقیت دانش‌آموزان متعلق به طبقات اجتماعی بالاتر را افزایش می‌دهد. هر قدر تأثیر زمینهٔ خانوادگی بر پیشرفت دانش‌آموز بیشتر باشد، میزان نابرابری افزایش می‌یابد.

میزان تحصیلات، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی که از طریق مدارس کسب و تحصیل می‌شوند برای رشد و بقای جامعه مهم تلقی می‌شود. مؤلفه‌هایی همانند درآمد، اعتبار و احترام نسبی مشاغل اجتماعی، طبقه اجتماعی افراد را می‌سازند. از این رو، فرصت‌های افراد برای دستیابی به امکانات و منابع موجود در جامعه تحت تأثیر عوامل فوق قرار می‌گیرد. در زمینهٔ اینکه چرا آموزش به‌طور نابرابر در بین افراد یک جامعه توزیع شده است، دلایل متعددی وجود دارد. از میان این موارد جنسیت، منطقه، فرهنگ و طبقه قابل توجه هستند که به‌طور مداوم بر سیاست‌های آموزشی جهت سرمایه‌گذاری بر روی سرمایه انسانی تأثیر می‌گذارند. در کشورهای در حال توسعه که شکاف طبقاتی در آن‌ها زیاد است، کارکرد تفکیک و گزینش در نظام آموزشی

در تضاد قرار می‌گیرد و حاصل آن تبعیض در محیط‌های آموزشی از لحاظ برخورداری از فرصت‌های برابر آموزش و پرورش است (Ghasemi et al, 2009).

- الگوی مناسب برای کاهش نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران کدام است؟ آنچه نظام آموزشی در جوامع مختلف دنبال آن است ایجاد عدالت آموزشی و کاستن از نابرابری آموزشی می‌باشد. بر اساس نتایج این پژوهش عوامل متعددی می‌تواند زمینه نابرابری آموزشی را فراهم آورد. برای طراحی الگوی مناسب جهت کاهش نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران از مصاحبه نیمه ساختاریافته با صاحب‌نظران و خبرگان حوزه آموزش عمومی، همچنین مرور نظام‌مند منابع و مقالات علمی استفاده گردید. بر این اساس تمامی دستاوردهای حاصل از تحلیل یافته‌های سؤالات قبلی، به همراه بررسی و مطالعه مبانی نظری نابرابری آموزشی، مطالعه اسناد و مدارک مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. برخی از ویژگی‌های الگوی طراحی شده که فرآیند دستیابی به آن در نمودار ۲ ترسیم شده است شامل موارد زیر است:
- استفاده روش‌های متعدد پژوهشی از جمله مطالعه کمی، کیفی، آمیخته، توصیفی، تحلیلی - استنتاجی در تحلیل یافته‌ها و نهایتاً طراحی و اعتبارسنجی الگو؛
- بهره‌گیری از نظرت، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای طیف وسیعی از ذی‌نفعان شامل اساتید متخصصان در حوزه آموزشی و کارشناسان این حوزه در طراحی و اعتبارسنجی الگو؛
- توجه به منابع و مقالات علمی با بهره‌گیری از سایت‌های علمی معتبر در طراحی الگو؛



نمودار ۲: فرایند طراحی الگوی مطلوب کاهش نابرابری آموزشی

## منابع

- Abolghasemi, M., Sharifi, A. A., & Imani, M. N. (2018). Providing a comprehensive model for agile education departments in the country. *Journal of Research in Educational Systems*, 12(1): 901-926. [In Persian].
- Aghahosseini, T., Sobhaninejad, M., & Abedi, A. (2006). Factors Influencing the Effectiveness of Secondary School Management from the Perspectives of Principals and Teachers. *Shahed University of Science and Research*, 13(18): 57-76. [In Persian].
- Aksakal, E., Dagdeviren, M., Eraslan, E., & Yuksel, I. (2013). Personel selection based on talent management. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 73(1): 68-72.
- Alavi, S., Arbab shirani, B., & Esfandiari, E. (2014). Investigating the Relationship between Organizational Learning and Innovation from a Dynamic System Viewpoint in Isfahan Engineering Research Center. *Production and Operations Management Quarterly*, 5(1): 71-92. [In Persian].
- Amin Bidukhti, A., Nemati, M., & Karimi, F. (2013). The moderating role of organizational commitment in the relationship between organizational learning and surrogacy management (Case study: Selected Universities of Tehran). *Journal of Executive Management Research*, 10(5): 35-58. [In Persian].
- Azizi, Gh., Ezzati, M., & Mohammad Davoodi, A. H. (2020). Providing a talent management model in gifted schools, a qualitative study. *Scientific Quarterly of School Management*, 8(3): 29-50. [In Persian].
- Azizi, M., Sadeghi, H., & Karami, R. (2015). Investigating the mediating role of organizational learning in the relationship between organizational intelligence and organizational agility. *Journal of Educational Management Innovations*, 11(1): 111-126. [In Persian].
- Bahrami, M. A., Kiani, M. M., Montazeralfaraj, R., Fallah Zadeh, H., & Mohammad Zadeh, M. (2016). The Mediating Role of Organizational Learning in the Relationship of Organizational Intelligence and Organizational Agility. *Osong Public Health Res Perspect*, 7(3): 190-196.
- Claus, L. (2019). HR disruption-Time already to reinvent talent management. *BRQ Business Research Quarterly*, 22(1): 207-215.
- Collings, D. G., & Mellahi, K. (2009). Strategic talent management: A review and research agenda. *Human Resource Management Review*, 19(4): 304-313.
- Foundation, T. H. (2019). *A Critical Moment: NHS Staffing Trends, Retention and Attrition*. The Health Foundation, London UK.
- Ghanbari, S., Ardalan, M., Nasiri Valeh Benny, F., & Beheshti Rad, R. (2014). Assessing the Process and Infrastructure Effect of Knowledge Management on Organizational Agility. *Journal of Public Management Research*, 7(23): 27-52. [In Persian].
- Ghasemi, M., Joodzadeh, M., & Biggi Rod, E. (2015). The effect of talent management on organizational learning capability with the mediating role of

- organizational intelligence. *Journal of Public Management Research*, 30(1): 145-164. [In Persian].
- Jalalifrahani, M., Saberi, A., Hidari, M., & Javid, M. (2015). Explaining the Relationship between Targeted Organizational Forgetting and Organizational Learning with Organizational Agility in Hamadan Province Youth and Sports General Office. *Journal of Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 2(8): 35-44. [In Persian].
- Javadipur, M., Kalani, A., & Saatchian, V. (2015). The Role of Organizational Learning Dimensions in Facilitating Organizational Agility. *Journal of Sport Management Studies*, 13(1): 105-120. [In Persian].
- Kehinde, J. S. (2012). Talent management: effect on organization performance. *Journal of Management Research*, 4(2): 53-70.
- Khajehali, A., & Keshtehgar, A. (2018). *The Role of Talent Management on Organizational Agility in Treatment Management System (Case Study: Social Security Management in Sistan and Baluchestan Province)*. Third National Conference on Ninth Approaches in Human Science, Challenges and Solutions, 1-10. [In Persian].
- Kiani, H. (2019). *The relationship between talent management and organizational agility in Zahedan executive agencies*. International Conference on Management, Accounting, Economics and Banking in the Third Millennium, Arvin Alborz Conference Company, Tehran, May 28. [In Persian].
- King, K. A., & Vaiman, V. (2019). Enabling effective talent management through a macro-contingent approach: A framework for research and practice. *BRQ Business Research Quarterly*, 22(1): 194-206.
- Mardani, M. R., Amirnejad, Gh., & Ahmadzadeh, A. R. (2018). The effect of organizational leadership on organizational agility with mediating role Organizational Learning (Case Study: Khuzestan Provincial Municipalities). *Journal of Social Development Quarterly (Former Human Development)*, 13(2): 219-238. [In Persian].
- Mavengere, B. M., & Tikkamaki, K. (2013). *Organizational Learning, Agility and Social Technologies for Enhanced Organizational Performance*. X World Conference on Computers in Education, July 2-5, Torun, Poland.
- Meyers, M. Ch., Woerkom, M. V., & Dries, N. (2013). Talent-Innate or acquired? Theoretical considerations and their implications for talent management. *Journal of Human Resource Management Review*, 23(1): 305-321.
- Mohan, P., & Sang, Ch. (2015). Exploring the relationships between the learning organization and organizational performance. *Journal of Management Research Review*, 39(1): 148-126.
- Pandita, D., & Ray, S. (2018). Talent management and employee engagement—A meta-analysis of their impact on talent retention. *Journal of Industrial and Commercial Training*, 50(4): 185-199.
- Rahimi, H. (2016). Investigating the Relationship between Talent Management and Social Capital in International Cooperation of National Iranian Oil



- Company. *Journal of Innovation and Value Creation*, 10(5): 79-92. [In Persian].
- Rastegar, M. (2016). *The Impact of Talent Management on Human Resource Flexibility with the Mediating Role of Purposeful Organizational Forgetting in the General Education Department of Mazandaran Province. Master's Degree in Industrial Management, Faculty of Industrial Engineering and Management, Shahrood University of Technology.* [In Persian].
- Sanchez, L. M., & Nagi, R. (2001). A review of agile manufacturing systems. *International Journal of Production Research*, 39(16): 3561-3600.
- Sharifi, H., & Zhang, Z. (1999). A methodology for achieving agility in manufacturing organizations, an introduction. *International Journal of Production Economics*, 12(1-2): 7-22.
- Sharifi, A., & Islamiah, F. (2008). Investigating the Relationship between Organizational Learning and Application of Communication and Information Technologies in Islamic Azad University of Garmsar Branch. *Journal of New Approach to Educational Management*, 1(2): 1-22. [In Persian].
- Sohrabi, R., Jafari, D., & Meydandar basmenji, F. (2017). Providing a talent management framework with a human resource agility approach. *Journal of Human Resource Management Research, Imam Hussein University of Technology*, 9(2): 1-20. [In Persian].
- Sud-On, P., Abareshi, A.C.V., & Pittayachawan, S. (2014). *Agility Enablers, Capabilities and Performance.* conference paper.
- Tuloi, A., Amiri, M., & Hooshyar, Sh. (2017). *Investigating the Relationship between Talent Management and Agility of Sepah Bank Staff Organization in Ardabil Province.* Investigating the Relationship between Talent Management and Agility of Sepah Bank Staff Organization in Ardabil Province, First Annual International Conference on Modern Management, Economics and Accounting, November 30, 228-234. [In Persian].